

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No. 5, Winter2023

[http://doi.org/ 10.30510/pscci.2024.472065.1048](http://doi.org/10.30510/pscci.2024.472065.1048)

Examining the role of intellectuals in the political-social developments of the Qajar era (with an approach to the actions of Abbas Mirza, Amir Kabir, Mirza Hossein Khan Sepahsalar and Amin al-Doulah)

Mohammad Esmaili ¹

Received: 26 August 2023

Abul Hasan Mobayen*²

Reception: 4 December 2023

Omid Sepehri Rad³

Abstract

The intellectual class is one of the most influential groups in the political and social developments of Iranian society. In the Qajar period, despite many limitations, this group was able to play a significant role in the socio-political development of Iran in this period of history. The purpose of this research is to examine the role of intellectuals in the political and social developments of the Qajar era (with an approach to the actions of Abbas Mirza, Amir Kabir, Mirza Hossein Khan Sepahsalar and Amin al-Douleh). And the method of collecting its information is to refer to library centers and archives of documents and newspapers.

The present study shows that the intellectuals introduced in this research tried to increase the awareness of different masses by taking advantage of the intellectual element in the events of Qajar period of Iran and were able to introduce themselves as one of the influential groups of the society.

Key words: intellectuals, political developments, Qajar era, social transformations.

¹ Doctoral student of History Department, Bojnord branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

²Assistant Professor, Department of History, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran. (Responsible author)

³Assistant Professor of History Department, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

بررسی نقش روشنفکران در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر قاجار (با رویکرد به اقدامات
 عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و امین الدوله)

محمد اسماعیلی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴
 ابوالحسن مبین^۲
 امید سپهری راد^۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

چکیده

قشر روشنفکر یکی از تأثیرگذارترین گروه‌ها در تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌روند. این گروه در دوره قاجار با وجود محدودیت‌های فراوان توانستند نقش بسزایی در توسعه سیاسی-اجتماعی ایران در این برهه از تاریخ ایفا کنند. هدف از این پژوهش بررسی نقش روشنفکران در تحولات سیاسی-اجتماعی عصر قاجار (با رویکرد به اقدامات عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و امین الدوله) می‌باشد. این پژوهش به روش تاریخی و بررسی توصیفی تحلیلی و تطبیق داده‌ها و اطلاعات از اسناد و منابع صورت گرفته و شیوه گردآوری اطلاعات آن مراجعه به مراکز کتابخانه‌ای و آرشیوهای اسناد و روزنامه‌ها است.

مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که روشنفکران معرفی شده در این پژوهش، با بهره‌گیری از عنصر روشنفکری در رویدادهای دوره قاجاریه ایران سعی در افزایش آگاهی توده‌های مختلف داشتند توانستند خود را به عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار جامعه معرفی کنند.

واژگان کلیدی: تحولات سیاسی، دگرگونی‌های اجتماعی، روشنفکران، عصر قاجار.

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

Mohammad.56.esmaeili@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)

Mobayen2005@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

Omid_sepahri@yahoo.com

در دوره قاجار به خصوص دوره ناصری شاهد تحولی در ساختار جامعه شهری ایران هستیم و آن تغییر، ظهور و پیدایش گروه کوچکی بنام روشنفکران بود. روشنفکران در دوره قاجار اصطلاحاً "منور الفکر" خوانده می‌شد و آن به معنای کس یا کسانی بود که با علم و درایت و اصول و روش خاص، مسائل و مشکلات جامعه را تشخیص می‌داد و برای حل آن راهکار ارائه می‌کرد. این گروه در نتیجه تماس با غرب و آشنایی با پیشرفت‌های جهان خارج از طریق مسافرت، ترجمه آثار و مدارس سبک جدید به وجود آمد و هرگز زاییده حرکت طبیعی در درون جامعه بسته ایران در دوره قاجار نبود.

روشنفکران ایرانی از جمله میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشار الدوله معتقد بودند که اگر ایران بخواهد از قافله تمدن عقب نیفتد، چاره‌ای جز تعویض حکومت و تدوین مجموعه قوانین ندارد. آنان راه بازگشت ایران به اعتبار دوره باستان را در ایجاد اصلاحات و وضع قوانین می‌دانستند (ملکم خان، ۱۳۷۰: ۶۷).

روشنفکران در افکار و اندیشه‌های خود اصلاحات اقتصادی و حل مسائل تجاری را لازم می‌دانستند. روشنفکران همچنین به یادگیری افکار و راهکارهای فنی و علمی در تأسیس صنایع و ترقی و سعادت وطن پرداختند (حبل‌المتین، ۱۳۲۳ ق: ۲۱-۲۲).

از اندیشه‌های دیگر روشنفکران بحث مبارزه با هجوم بیگانگان بود که بازار داخلی را به رکود کشانده بود. از جمله فعالیت‌های روشنفکران در آستانه جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان تشکیل انجمن ملی در محروم ۱۳۲۲ ه. ق / ۱۹۰۴ م با عضویت شصت نفر از گروه‌های مختلف اجتماعی بود. هدف از ایجاد این انجمن هموار کردن راه پیروزی جریان مشروطه‌خواهی توسط اعضای مجتهد و تاجر و... بود. از فعالان این انجمن روشنفکر گرانمایه ملک‌المتکلمین بود. وی اعتقاد داشت که تا وقتی که قدرت در دست خود مردم نباشد هیچ‌گونه اصلاحی ممکن نیست (و رهام، ۱۳۶۹: ۳۹۵-۳۹۶).

تحقیق در تاریخ معاصر ایران و شناخت شخصیت‌های صحنه‌های مختلف و بازیگران میدان‌های گوناگون در ارتباط تنگاتنگی با جامعه کنونی ایران است. شاید بتوان گفت این دوره تاریخ ایران به علت ورود ایران و ایرانیان در سیاست

جهانی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، به‌ویژه آنکه بررسی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی... ایرانیان که در این مقطع تاریخی دچار دگرگونی‌هایی فراوان می‌شود و با اقدام‌های شخصیت‌های مهم چون - عباس میرزا ولیعهد و قائم مقام فراهانی - پویه‌هایی گوناگون صورت می‌گیرد.

این امر منجر به اعزام عده‌ای برای تحصیل به خارج و آشنایی آنان با پیشرفت‌های غرب می‌شود که نقش‌های نوینی در تاریخ ایران چهره می‌بندد و با روی کار آمدن میرزا تقی خان امیرکبیر و تلاش‌های مؤثر این عنصر لایق در مدت کوتاه صدر اعظمی در عصر ناصری پی‌آمدهای مختلفی را سبب می‌شود، که نتایج آن دگرگونی جامعه ایران و آغاز شناسایی مردم و بازآفرینی واقعیت‌های نهفته در جامعه است. در این مدخل نو آغاز شده، چهره‌هایی تلاش می‌نمایند تا راه ورسم امیر را پیش‌گیرند و یا عصر او را مورد آزمایش قرار دهند یا جای پای او بگذارند و دست کم اینکه در نوشته‌های خود، از آرمان‌های امیر سخن گویند و دورانش را ستایش، و آفرینش‌های متعددی او را در جامعه خفته ایران که به آرامی در حال بیدار شدن است بازگو و تأثیر آنها را ارزیابی نمایند.

تاریخ معاصر ایران، مملو از دگرگونی‌های سرنوشت‌ساز است، دوران پر آشوب و فتنه آکنده از دخالت‌های بیگانگان و اجرای نقشه‌های بی‌باکلنه در جهت فتنای ایران و ایرانی به‌دست خود و بیگانه، سیاستمداران ایرانی زبون، فاقد شخصیت، دست و پا بسته و در خدمت بیگانه، دولت‌های سرسپرده - برای خواسته‌های انگلیس و روس - عاملین اجرای سیاست‌های آنها شده و در زبونی مردم کوشا و در وابستگی آنها به دولت‌های غرب قدم‌های فراخی برداشته و در نتیجه نقش نامطلوب خود را در تاریخ معاصر ایران اجرا و میراث ناخوشایندی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

تاریخ معاصر ایران را می‌توان با شناخت بازیگران آنها بهتر ارزیابی قرار داد و علل و عوامل عقب‌ماندگی ایران را کشف کرد و مورد نقادی و تجربه و تحلیل قرار داد و جدای از نقش اول شاهان در این واپس‌گرایی، چیزی از نقش این بازیگران در پشت‌صحنه‌ها مخفی نماید. آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده است بررسی نقش روشنفکران در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر قاجار (با

رویگرد به اقدامات عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و امین‌الدوله) می‌باشد.

۱-۱- سیر نوگرایی در ایران

قرن نوزدهم در ایران آغاز و شروع اصلاحات به شیوه مدرن بود که این خود نتیجه‌ی ارتباط بین ایران و غرب و آشنایی با دانش و تمدن غربی و در نتیجه نفوذ و تأثیر آن بود تحولات ناخولنده‌ای که تجدیونام گرفت و ایرانیان را دچار حیرت نمود و روز زندگی آنها را تحت‌تأثیر قرار داد. چنانکه روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایشان دگرگون گردید. این نفوذ به دو شیوه متفاوت اقتصادی با تهدید بازارهای شهری و به وجود آمدن طبقه‌ی متوسط سنتی و تماس فکری از طریق نهادهای نوین آموزشی و رو آمدن طبقه‌ی روشنفکر خود را نشان دادن و طبقه‌ای که دیگر پادشاه را ظل الله نمی‌دانستند و بر حکومت استبدادی واقعی نمی‌نهاد (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۶۵-۶۶).

هم مرزی ایران روسیه‌ی اشغال نظامی مصر به‌وسیله ناپلئون در سال ۱۷۹۸ م و هدف بر دستیابی بر هندوستان کوشش انگلستان در نگهداری مستعمرات خود در آسیا و تکاپوی ایران در حفظ استقلال سرزمین خود در مقابل تعرض‌های خارجی جملگی عواملی بودند که ایران را ناخواسته وارد صحنه‌ی سیاست بین‌المللی کرد. به این عوامل می‌توان تحولاتی که در ژاپن و عثمانی در جریان بود را نیز اضافه نمود عواملی که ایران و ایرانی را از مدت‌ها پیش لندیشیدن و نوآوری را از خود رها ساخته‌بود و در عالم ذهنیات خرافی خود در خواب غفلت به سر می‌برد به عقب‌ماندگی مادی و اجتماعی خود واقف گردند و با معناهای فرهنگ آزادی و حکومت قانون آشنا ساخت (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۲ و ۳۷).

قاجارها که خود را در برابر حمله بی‌امان و تجاوز نظامی روسیه از شمال و در نیمه قرن بریتانیا از جنوب و دادن یکسری امتیازات تجاری ناتوان یافتند و به تنها چیزی که در این وادی می‌اندیشیدن دن مجهز شدن خود به تجهیزات نظامی توجه منظور مقابله با تهاجم روسیه بود.

کشوری که با شکست دادن ایران و تحمیل دو پیمان نامه گلستان (۱۸۱۳ میلادی) و ترکمانچای (۱۸۲۸ میلادی) به قاجارها فهمانده‌بود که از دنیا عقب

هستند که این خود باعث گردید افرادی همچون عباس میرزا ولعهد و وزیرش میرزا بزرگ قائم مقام به لزوم اخذ و تجدد غربی واقف گردند. چنانکه میرزا عباس بر این گفته اذعان داشت که: « روس‌ها با هر شکستی که به من وارد می‌سازند ندانسته درسی به من می‌دهند و از فرا گرفتن آن درس‌ها نفع بیشتری عایدم شد...» (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۳ - ۱۳۷۰: ۱/۵۳).

۲- یافته‌ها

در ذیل به اقدامات برخی از روشنفکران عصر قاجار می‌پردازیم:

۱-۲- بررسی نقش عباس میرزا در تحولات سیاسی- اجتماعی عصر قاجار

مردی نو اندیش و دلبسته به فنون و دانش غرب بود و در راه سرو سامان دادن به وضع کشور و قوی ساختن سربازانش که هسته‌ای ایلیاتی داشتند و مجهز ساختن ایشان دست به اصلاحات زد. بنابراین به تقلید از اصلاحات عثمانی به ایجاد نظام جدید در آذربایجان همت گمارد سربازان را به سلاح‌های جدید مجهز کرد و مقرری ایشان را به‌طور منظم پرداخت یونینفرم نظامی بر تن کردند در پادگان‌ها سکنی گزیدند و زیر نظر افسران اروپایی آموزش می‌دیدند عباس میرزا برای تأمین و تجهیز ارتش جدید کارخانه توپ و تفنگ سازی در تبریز ساخت و اداره‌ی ترجمه‌ای دایر کرد تا نظام‌نامه و مقررات مهندسی نظامی لازم آنجا ترجمه و تدوین گردد و برای تضمین اقداماتش اولین دفاتر دائمی ایران را در پاریس و لندن افتتاح کرد و برای تأمین نیروی این نهاد نخستین گروه از محصلان ایرانی که دو نفر بودند در سال ۱۸۱۱/۱۲۲۶ به انگلستان فرستاده شدند یک نفر (میرزا کاظم) پس از یک ساعت و نیم به‌علت ابتلا به مرض سل در لندن در گذشت و دیگری حاج‌بابا به تحصیل طب پرداخت و پس از شش سال به ایران بازگشت و دومین گروه که تعداد آنها ۵ نفر بود در سال ۱۸۱۵/۱۲۳۰ به همراه داری به انگلستان اعزام شدند.

۱- میرزا رضا صوبه دار توپخانه برای تحصیل توپخانه ۲- میرزا جعفر مهندس برای امور مهندسی ۳- میرزا جعفر باری تحصیل شیمی یا طب ۴- میرزا صالح شیرازی برای آموختن زبان انگلیسی ۵- محمد علی قچماق ساز برای یاد گرفتن قفل و کلید سازی (شیرازی، ۱۳۴۷: ۴۵) تا در برخی رشته‌های نظامی مهندسی

پزشکی آموزش ببینند گویا این اولین گروه ایرانی بودند که با افکار آزادیخواهی و اصول حکومت ملی آشنا شدند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۳-۲۴).

عباس میرزا برای تأمین هزینه این امور از حقوق و مستمری و مخارج بیهوده‌ی دربار جلوگیری کرد و با استفاده از تعرفه‌های حمایتی و تحریم استفاده از پارچه‌های خارجی درآمدها را افزایش داد. سپس برای جلوگیری از مخالفت‌های و در نتیجه شورش‌های مذهبی به‌همراه و کمک میرزا بزرگ قائم مقام نظر مساعد علما را به نظام جدید طلب کرد و شکل‌گیری چنین ارتشی را با اسلام همساز دانست و آن را از کشفیات فراموش شده پیامبر در گذشته دانستند بنابراین «ارتش جدید میراث غیر مستقیم اما مشروع پیامبر بود» (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۳۸). همچنین فرمان داد تا مترجمین چیره دست به ترجمه رسالات و کتب مختلف اروپایی که در باره نظم اروپایی و اوضاع اداری آنجا نوشته شده مشغول گردند که از جمله می‌توان به «تاریخ پطر کبیر» و تاریخ تنزیل و خرابی دولت روم اثر ادوارد گیبون اشاره کرد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۱۲).

با آنکه در رویارویی اولیه ایران با مدرنیت پیش‌ترین توجه به عرصه‌های نظام فناوری معطوف بود در حوزه اجتماعی سیاسی نیز توجه و کنجکاوی وجود داشت. میرزا صالح که از جمله پنج دانشجوی اعزامی به اروپا برای تحصیل زبان‌های اروپایی بود پس از بازگشت به ایران مترجم دولت و بعد وزیر تهران شد و به مأموریت‌های سیاسی متعدد رفت و هم اوست که با خود ماشین چاپ به ایران آورد و اولین روزنامه فارسی ایران را «کاغذ اخبار» ۱۲۵۱ ق به چاپ رساند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۵).

وی نمی‌توانست اشتیاق خود را نسبت به «منشور بزرگ» «آزادی مردم» مجلس عوام و مفهوم دموکراسی انتخابی پنهان کند. او گزارشی نیز درباره آزادی بیان به‌عنوان شالوده‌ی نظام پارلمانی در اوایل قرن نوزدهم نوشت (همان: ۳۰-۳۱). با گسترش روابط ایران و اروپا افکار نوگرایی به تدریج در ایران توسعه یافت و کسانی پیدا شدند که به خارج از ایران سفر کرده ناظر پیشرفت‌های و تشکیلات جدید اروپایی گردیده در صدد احداث تأسیسات مشابه آن در ایران افتادند و نیز روشنفکران به وجود آمدند که با اندیشه‌های کهنه و سنتی جزمی به مقابله برخاستند.

به علت نبود شرایط مناسب کوشش‌های عباس میرزا در راه نوسازی کشور با مشکلات جدی روبرو گردید. مردم به علت علاقه خود به حفظ آداب و رسوم قدیمی و دلتمردان با نفوذی که سود خود را در ارتش جدید نمی‌دیدند به مخالفت با اصلاحات عباس میرزا پرداختند علاوه بر این ارتش جدید که پشتیبان عباس میرزا بود دشمنی بسیاری از برادران تنی و ناتنی‌اش را برانگیخت از جمله برادر بزرگش محمدعلی میرزا تا جایی که به شایعه پراکنی در مورد او می‌پرداختند که وی «باطنابی اعتقاد» است شایسته‌ی نشست بر تخت سلطنت نیست چرا که فرهنگی شده و چکمه برپا می‌کند (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۷۴) و گویا نوسازی با باورهای مذهبی ناسازگار قلمداد شده بود. جناح‌های مذهبی با نوگرایی و نوسازی سر ناسازگاری برداشت و اصلاحات عباس میرزا را ضد اسلام دانست و بر خدمت اجباری وی خرده می‌گرفتند. چنانکه ژوبر فرانسوی در مورد دشواری‌های مذهبی که بر سر راه نوسازی عباس میرزا بود و می‌نویسد که «مذهب و آداب و اخلاق مانع از آن است که نتیجه‌ی ممتد و مهمی از آن بگیرند» (ژوبر، ۱۳۲۲: ۴۹).

۲-۲- بررسی نقش امیرکبیر در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر قاجار

آغازگر دیگر برنامه نوسازی میرزا محمد تقی فرزند کربلایی قربان معروف به امیر کبیر بود که در خانواده‌ی میرزا عیسی قائم مقام فراهانی با آشپزی آغاز نمود و بعدها «ناظر و در واقع ریش سفید خننه قائم مقام گردید...» (آدمیت، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

به گمان آدمیت، امیر کبیر «بزرگ‌ترین مردی است که ایران در قرن‌های اخیر به وجود آورده‌است» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۴۴). خانواده قائم مقام رسائل و امکانات رشدش را فراهم شمردند چنانکه در زمان ولیعهدی ناصرالدین شاه به مقام وزارت آذربایجان رسید و بعدها به مقام صدارت اعظم نائل گردید (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۸۰). وی زمانی که منشی مخصوص ارتش بود مجذوب نظام جدید شد و هنگامی که به‌عنوان فرستاده ویژه ایران به امپراتوری عثمانی رفت نسبت به اصلاحات جنبش تنظیمات علاقه عمیقی پیدا کرد. در نتیجه تصمیم گرفت خود نیز دست به اصلاحات گسترده‌ای بزند (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۰).

وی هر چند پیش از سه سال از (۱۲۶۴ تا ۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۱-۱۸۴۸) مقام صدارت را نداشت اما با تحولاتی که ایجاد و شروع کرده بود راه را برای جریانات اصلاحات آتی باز نمود و کوشید تا اعتماد از دست ایرانیان را با اصلاحات تجدید خواهانه به ایشان بازگرداند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۹۸). امیر کبیر که می‌خواست اصول حکومت داری را بر پایه قاعده و قانون نظم ببخشد تا هم رفع خودکامگی کند و هم سیاست خارجی را هماهنگ با منافع ملی ایران نماید و راه را برای تعلیمات دانشگاهی آینده باز نماید اقدام به یکسری اصلاحات نمود که در جای خود قابل تأمل می‌باشد. امیر در راستای این اهداف دارالفنون را با انگیزه‌ی آوردن علوم و فنون به ایران به منظور ترویج علوم جدید و به تقلید از دانشکده پلی تکنیک پاریس در جهت دستیابی به علوم نظامی تأسیس نمود. محور برنامه‌ی آموزشی این مدرسه جدید با استادان عمدتاً اتریشی خود، تدریس «مهندسی، پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، طب، جراحی، معدن شناسی علوم طبیعی بود.» علاوه بر آن رشته‌های تاریخ، جغرافیا، نقشه‌کشی، طب سنتی ایران، ریاضی، و زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی و روسی نیز تدریس می‌شد (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۵۳-۳۵۴ و ۳۶۳).

وی تأسیسات چاپخانه را توسعه داد و آبله کوبی اجباری شد و احداث بیمارستان دولتی در آن زمان صورت گرفت. تنظیم امور پستی، تعدیل بودجه مملکتی و وضع مالیات را سرو سامان داد. وی ارتش دائمی را احیا کرد و برای تأمین نیازمندی‌های آن و قطع واردات خارجی، ۱۵ کارخانه ساخت. او همچنین نخستین روزنامه منظم و وقایع اتفاقیه را در ایران به قصد «تصویر و تعلیم مردم ایران و آشنا کردن مردم ایران با تمدن و علوم جدید اروپا و نهضت‌های علمی و فکری آنجا را تأسیس کرد» (همان: ۴۵).

امیر برای تأمین هزینه طرح‌ها هزینه‌های اضافی به‌ویژه مخارج دربار را کاهش داد و عوارض گمرکی واردات را بالا برده و فروش مقامات اداری را ممنوع کرد و نظارت دقیق بر کار مأموران مالیاتی و وضع مالیات جدید اعمال نمود (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۷۰). دادگاه‌های عرض جدید تأسیس کرد و را حدود اختیارات دادگاه‌های شرع کاسته و حمایت از اقلیت‌های دینی را مهم شمرد (وحدت، ۱۳۸۲: ۵۹).

وی برای پیشبرد برنامه‌های اصلاحی خود از نفوذ روحانیون کاست چرا که بر این باور بود که با اقتدار و مداخله‌های آنان هیچ اصلاحی سر نمی‌گیرد، یکی از عمده مخالفت شدید امیر با روحانیون «نفع پرستی و رابطه‌ی آنها با سفارت‌های خارجی بود» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۵۰). گویا این اقدامات امیر به مذاق بیشتر گروه‌های داخلی و خارجی خوش نیامد. در برابر آن واکنش نشان دادند. تیول داران مالیات جدید را زیاده ستانی دولت قلمداد می‌کردند نمایندگان بریتانیا و روسیه نیز علاوه بر ناراحتی‌شان به تعرفه‌های حمایتی تصمیم امیر کبیر در جلب کمک‌های فنی فرانسه و اتریش و مجارستان از دست او عصبانیت بودند. مادر شاه نیز در حمایت از درباریان که به دلیل قطع درآمد هایشان در فشار شدید بودند از نفوذ خود شاه استفاده کرد. سرانجام همزمان شدن شورش بایبها با این اصلاحات که بی ثباتی سیاسی منجر شد، ضربه‌ی آخر را بر پیکر امیر کبیر و اصلاحاتش وارد آورد.

امیر کبیر در سال ۱۲۳۰ / ۱۸۵۱ از مقام خود برکنار، تبعید و سپس کشته شد. و برنامه‌های علی‌رغم سرمایه‌گذاریهای سنگین به دست فراموشی سپرده شد (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۷۰-۷۱). و اگر هم بعدها اقداماتی توسط برخی همچون میرزا حسین خان سپهسالار (مشیر الدوله) در سالهای ۱۲۵۰-۱۲۵۲ / ۱۸۷۱-۱۸۷۳ انجام گرفت، بیشتر حضور نیروهای بیگانه را شدت بخشید. به قول دکتر پلاک میرزا تقی خان مظهر وطن پرست بود. نهالی که نشانده بود بارور نشد او به خاک و خون غلطید و بعد از او روزگاران ایران به سیاهی کشیده (آدمیت، ۱۳۴۰: ۵۵). با کشتن امیر مخالفین نوسازی که می‌پنداشتند صدایی از اصلاحات دیگر نخواهد شنید. به زودی بر خیال واهی خوش پی بردند و به زودی برایشان معلوم شد که این تصورات چیزی جز خیال خام چیز دیگری نبوده است. چرا که به قول آدمیت:

دولت از یورش افکار مصون نبود. دامنه‌ی اندیشه‌ها نو وسعت پیدا کرد نگرش به اخذ بنیادهای سیاسی و اقتصادی غربی بیشتر شد. خلاصه بر غفلت دولت و عقب‌ماندگی مملکت اوج گرفت، همچنین برگرد، طبقه‌لندیشمند ترقی خواه افزون گشت، اکثریت آنان را فارغ‌التحصیلان دارالفنون و تحصیل کردگان فرانسه می‌ساختند (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۲۶).

۳-۲- بررسی نقش میرزا حسین خان سپهسالار در تحولات سیاسی-

اجتماعی عصر قاجار

مشیر الدوله از جمله روشن‌فکران عصر قاجار است که در یک خانواده متوسط به دنیا آمد، پدرش که شغل دیوانی داشت دو پسرش، حسین خان و یحیی خان را برای تحصیل به فرانسه فرستاد، سپهسالار در ۲۹ سالگی وزیر مختار ایران در عثمانی شد و دوازده سال در این سمت باقی‌ماند و از نزدیک نظاره‌گر مشروطه عثمانی بود، در سال ۱۲۴۸ به ایران بازگشت، تا نخست‌وزیر در ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ در رأس وزارت عدلیه و اوقاف و وظایف گماشته شود، سپس با سپهسالار اعظم به وزارت جنگ منصوب شد و از ۱۲۸۸ تا ۱۸۷۳/۱۲۹۰-۱۸۷۱ در مقام صدرات خدمت کرد ولی به‌هنگام انتصابش بر این مقام ملکم خان را که در اسلامبول بود فرا خواند و به مقام معاونت خویش گمارد (ساسانی، ۱۳۷۹: ۲۳۸).

حضور کسانی چون مستشار الدوله در کار عدلیه و قانون ملک به‌عنوان معاون صدرات در وزارت سپهسالار نشان از قوه و نیروی پر توان برای شروع دوباره اصلاحات می‌داد نوآورترین روشن‌فکران این عصر در وزارت و صدرات او، این فرصت را به‌دست آوردند تا لااقل بخشی از اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی خود را در عمل به تجربه درآورند هر چند که شخصی همچون آخوند از هر مخالف این جمع میمون بود و هر از گاهی به زبان طنز و طعنه اقدامات سپهسالار را مورد نکوهش قرار می‌داد و آن را بی‌ثمر می‌خواند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۲۹-۲۳۲).

ایشان گرد آمده‌بودند تا اصلاحات گذشته را قدمی به جلو ببرند و زمینه‌ساز تحولات بعدی گردند. با آمدن سپهسالار به قول میرزا علی خان امین‌الدوله «بساط کهنه بر چیدن و طرح نو افکندن محقق گردید» (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۲۵). ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب خود *تاریخ بیداری*، وی را «از اشخاص بزرگ که ترقیات ایران در نظر داشت در دفن دیپلوماسی اول شخص ایران بود» (کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۳۵) توصیف می‌کند.

دوره صدرات میرزا حسین خان مشیر الدوله کوتاه بود چرا که زیر فشار روحانیون و اعضای فاسد درباری که از اصلاحات او آسیب دیده‌بودند اما پس

از خدمت دوساله صدرات ۱۲۹۰-۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۳-۱۸۷۱ م مجبور به استعفا گردید و در مشاغل مختلفی از جمله حکمرانی ایالت‌های مختلف و زرات جنگ، وزارت خارجه و پیشکاری ولیعهد خدمت کرد، تا آنکه در سال ۱۲۹۸ در شرایطی مرموز و نابهنگام درگذشت (رجایی، ۱۳۸۲: ۲-۴؛ وحدت، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۴).

سپهسالار که بسیار تحت تأثیر اطلاعات عثمانی بود در سال ۱۲۸۹/۱۸۷۲ یک کابین خنله به‌نام «دربار اعظم» و یک «مجلس مشورت» بنیاد کرد که دارای نه وزارتخانه بود و در آن قوانین تصویب می‌شد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۵۷-۹۳). که این خود گامی بود در راه آشنایی ایران با اصول مشروطیت، مشیرالدوله پیشرفت جهان جدید را میدان علم می‌دانست، چنانکه خود می‌گفت:

کلید ترقیات دینی و دنیایی فقط علم است و هر شعبه از امور عالم از سیاست و تدبیر منزل، و تهنیب اخلاق و تکمیل صنایع و بدایع، و دفع مضار و جلب منافع، و رواج کسب و تجارت و بسط و ترقی کار فلاح و زراعت و اصلاح امور ملکی و ملتی و انتظام امور نظامی و لشگری و حتی بقاع نوع و حفظ صحت... به علم صورت کمال یافته (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۴۹).

وی در سال ۱۸۷۱ م دست به اصلاحاتی زد که از زمان امیر کبیر سابقه نداشت به سرعت در پی چارچوب در رفع قحطی برآمد در راه توسعه و برنامه ریزی اقتصادی می‌کوشید تشکیلات دولتی را بازسازی نمود و در راه استقرار عدالت و حکومت قانون شکنجه و بریدن اعضا زندانیان را به کلی ممنوع کرد و رسیدگی به امور جزایی را در اختیار دیوان‌خانه ی عدلیه تهران گذاشت (آدمیت، ۱۳۴۰: ۷۴). به ایجاد و آمادگی ارتش تلاش نمود و در روشن کردن و برانگیختن افکار عمومی و «افزودن بصیرت مردم» قدم‌های مهمی برداشت. در خصوص سیاست خارجی نیز مانند امیرکبیر به دنبال استقلال ایران از طریق بی طرفی و تضمین آن توسط دولت‌های بزرگ اروپایی بود (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۴۶-۱۴۷ و ۱۶۶). اما سیاستهای خارجی موجب نارضایتی‌های زیادی شد که در آغاز چندان جدی نبود اما به دنبال واگذاری امتیاز رویتر به صورت مخالفت‌های جدی با امتیاز نامه، فرصتی برای ابراز وجود یافت (افشاریزدی، ۱۳۵۸: ۲۴۸-۲۵۳). دشمنان قدرتمند وی با بسیج مردم و برگرداندن نظر شاه علیه او دست به کار شدند از

جمله دشمنان، عوامل استبداد سیاسی، یعنی درباریان و عوامل استبداد مذهبی یعنی مجتهدان مستبد با پشتیبانی سیاست خارجی، یعنی عوامل روس‌ها، زمینه برانداختن صدارت سپهسالار را فراهم کردند. چرا که وی «مداخله امر دولت را به این ایشان تجویز نمی‌کرد...» (آدمیت، ۱۳۵۶: ۷۴). تبلیغات شدید مخالفان صدر اعظم را به استعفا ناچار کرد و ناصرالدین شاه بار دیگر از اصلاحات آزادی خواهانه دست کشید و به محافظه کاری سنتی مورد علاقه اش روی آورد (فوران، ۱۳۸۲: ۲۴۸-۲۴۹).

۴-۲- بررسی نقش امین‌الدوله در تحولات سیاسی - اجتماعی عصر قاجار

یکی از بزنگاه‌های مهم در تاریخ قاجار، ماجرای معاهده‌ی رژی بود. لرد کرزن در کتاب خود نوشته‌است:

امتیاز تنباکو در پاییز ۱۳۰۸ ه. ق / ۱۸۹۰ م از طرف شه‌ریار ایران برای مدت پنجاه سال به یک کمپانی موسوم به شرکت تنباکو دولتی ایران واگذار گردید و یک سرمایه به مبلغ ششصد و پنجاه‌هزار لیره انگلیسی تهیه شد تا شرایط این امتیاز به موقع اجرا گذاشته شد (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ ۴۹۹).

در سال ۱۳۰۹ هجری قمری به سبب حکم دو مجتهد صاحب‌نفوذ - حاج میرزا حسن شیرازی و حاج میرزا حسن آشتیانی - حکم تحریم استعمال دخانیات صادر شد. امین السلطان ناچار امتیاز نامه کمپانی رژی را لغو کرد و برای خساراتی که به شرکت وارد آورده شده بود در سال ۱۳۱۰ هجری قمری مبلغ ۵۰۰ هزار لیره انگلیسی با بهره ۶ درصد از بانک شاهی قرض گرفت (بیات، ۱۳۶۱: ۲۴۷).

ناصرالدین شاه جهت رفع غائله و حل مشکل دستور داد مجلسی از علما و رجال دولت تشکیل شود. علمایی که حضور داشتند، از جمله امام جمعه تهران سید زین‌العابدین، شیخ فضل الله نوری، سید علی‌اکبر تفرشی، سید محمد رضا طباطبایی، آخوند محمد تقی کاشانی، سید عبدالله بهبهانی و اشخاصی از طرف دیگر علاوه بر نایب‌السلطنه، امین السلطان صدر اعظم، امین‌الدوله، مشیر الدوله، قوام الدوله و مخبر الدوله بودند. ولی میرزای آشتیانی حاضر نشد، هر چند هم که اصرار کردند (همان: ۶۰۶). خلاصه مذاکرات و مشاجرات اینکه امین السلطان وکالت گرفت و متعهد شد که از طرف آنها از نمایندگان مردم هستند، اقداماتی

برای فسخ و ابطال امتیازنامه به عمل آورد به شرط آنکه علما هم پس از لغو انحصار حکم اباحه استعمال دخانیات را صادر و صریحاً آن را تجویز نمایند. که این مجلس به اینجا ختم شد، قوام للدوله و مخبر للدوله بودند. ولی میرزای آشتیانی حاضر نشد، هر چند هم که اصرار کردند (همان: ۲۵۷ و ۶۰۶).

در این میان، پستخانه اقدام به صدور و پخش اعلامیه بدون امضایی با مهر پستخانه تهران در تاریخ ۲ رمضان سال ۱۳۰۸ ه. ق برابر ۲۲ فروردین ۱۲۷۱ ش. کرد که در آن شاه مورد انتقاد قرار گرفته بود. بخشی از این اعلامیه در ارتباط با امتیاز دخانیات بسیار با اهمیت بوده، به طوری که از آن پس میرزا علیخان مورد سوء ظن شدید شاه و درباریان قرار می‌گیرد. علی‌رغم اقدامات شدید دولت در امر ایجاد سانسور وجود میرزا علیخان در پستخانه بسیار مغتنم و کم و بیش مانع از اجرای کامل تفتیش می‌شد. لذا تعداد انگشت شماری جراید و نشریات علیه رژیم بی‌سر و صدا وارد معرکه و مخفیانه توسط پستیچی‌ها به دست مردم و حتی برخی از دولتمردان نیز می‌رسید. عدم موفقیت شاه در اجرای سانسور موجبات تشویش خاطر وی را فراهم آورد تا آنجا که شخصاً قدم به میدان گذاشت و از نزدیک شاهد چگونگی اجرای سانسور شد. اتخاذ تصمیم اخیر بی ارتباط با عزل قریب الوقوع میرزا علیخان نبود. لذا جهت به انحراف کشاندن افکار عمومی و سلب اعتماد مردم از میرزا علیخان تصمیم گرفت رئیس پست شخصاً مأمور اجرای سانسور در پستخانه شود تا با یک تیر دو هدف را نشانه گیرد. چه قبول مسئولیت اخیر از طرف میرزا علیخان به مثابه شکست سیاسی وی و از بین رفتن محبوبیت او بود. منابع مستند مؤید اینست که امین‌الدوله را از زیر بار سانسور خالی و در نتیجه مسئولیت این امر به گردن خود شاه افتاد (کیا، ۱۳۷۶: ۱۶۰-۱۶۵).

مغرب فراش به احضار آمد درب خانه رفتیم سرشام شاه بودم امین‌الدوله چند کیسه که روزنامه جات و نوشتجات فرنگ برای مردم می‌آوردند خدمت شاه فرستاده بود معلوم می‌شود از این به بعد نوشتجات را در حضور شاه می‌آوردند بعد به مردم می‌رسانند (بیات، ۱۳۶۱: ۷۳۷).

سرانجام با تلاش روحانیان و اقدامات صورت گرفته از جانب پست «در ژانویه ۱۸۹۲م/۱۳۰۹ ه. ق در اثر مخالفت‌های عمومی ملت ایران با مهارت تمام از

طرف علما، مذهبی ایران تهیه شده بود. شاه مجبور شد آن را لغو کند (کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ ۴۹۹).

مختصر تجزیه و تحلیل از روند مثبت پستخانه و نقش فعالانه کارکنان آن در براندازی امتیاز رژی بدون شک به دو عامل مهم بستگی داشت، نخست وجود میرزا علیخان همراه با کارکنان مبارز و آگاهان در حد متعارف آن روز، دیگر اصل رسالت مربوط به وظایف کلی و انحصاری پستخانه به عنوان عامل بزرگ ارتباطی در سطح مملکت که به علت همگانی بودن خدمات پستی آن در چهارچوب بسته‌ای محدود نمی‌شد. چنین بود که نظام حاکم علی‌رغم تحمیل و فشار بر پستخانه جهت اجرا داشتن تفتیش و سانسور در مجموع با عدم موفقیت روبه‌رو گردید (کیا، ۱۳۷۶: ۱۷۹). واقعه رژی زمینه‌ساز حرکت دیگر توسط مردم گردید که همان انقلاب مشروطه بود.

امین‌الدوله در سال ۱۲۹۰ ق، به مقام وزارت نائل شد. طی یک سال زمامداری در بازگرداندن آب رفته‌ی خزانه به جوی کوشید. دست دخالت‌های ناروای سیاست‌های بیگانه و عمال داخلی آنها را از کارها کوتاه کرد. در ماه‌های اول زمامداری قانون تشکیل مجلس اعیان را نوشت که در ربیع الثانی ۱۳۱۵ ه. ق (نه سال پیش از مشروطیت) به توجیح مظفرالدین شاه رسید. ده ماه بعد قانون دیگری تقدیم شاه کرد که در آن کوتاه کردن دست رجال درباری و شاهزادگان از بیت‌المال منظور شده بود. ضمن آن استدعا کرد برای جلوگیری از مقاومت متنفذین و شاهزادگان بهتر است شاه اول حقوقی برای خود تعیین کنند تا بتوان به تبع آن حقوقی برای سایرین قرار داد شاه در مجلسی با حضور رجال نزدیک به خود مسئله قانون را طرح کرد آنان که از مدت‌ها در کمین و منتظر فرصت بودند بر سر و صورت کوفتند که همیشه ملت حقوق‌بگیر شاه بوده است حالا امین‌الدوله می‌خواهد شاه را حقوق‌بگیر ملت کند و قصد دارد سلطنت قاجاریه را براندازد و خود شاه شود. مظفرالدین شاه فریب اطرافیان را خورد او را معزول کرد و اتابک را به صدارت گماشت. اگر چه امین‌الدوله در دوران سلطنت ناصرالدین شاه نیز متهم به جمهوری خواهی شده بود اما عزل او یقیناً به این سادگی نبود بلکه در آن زمان دو همسایه‌ی شمالی و جنوبی خواهان ایجاد ضعف هر چه بیشتر و احتیاج بیشتر حکومت مرکزی ایران بودند که از میان

استفاده برند هر یک نیز رجالی دست پرورده در دستگاه داشتند (امین‌الدوله، ۱۳۵۴: ۶-۹).

یکی از اقدامات امین‌الدوله، تشکیل انجمن‌های فراماسونی بود. بنای انجمن‌های فراماسونی در ایران توسط ملکم، با تشکیل فراموش خانه نهاده شد. ایرانیان نیز با آگاهی از فعالیت این‌گونه انجمن‌ها به فایده کار جمعی و تشکیلاتی پی برده، برای پیشبرد اهداف اصلاح طلبانه خویش دست به تشکیل این نوع انجمن‌ها در ایران زد (حائری، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۴).

امین‌الدوله یکی از همفکران ملکم بوده و از اعضای قدیم فراموشخانه در ایران محسوب می‌شود (شکوری و موسوی عبادی، ۱۳۷۷: ۱۳۵). در مورد انگیزه ملکم از تأسیس این تشکیلات که به فراموش خانه شهرت یافت، برخی چنین معتقدند که در واقع هدفش تلفیق مذهب با افکار نوین بود (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۵۷).

در سومین سفر ناصرالدین شاه به سال ۱۳۰۶ هجری قمری/۱۸۸۸ میلادی مورد استقبال انگلسیها قرار گرفت و با پیشکش ۱۰۰۰ لیره امتیاز تأسیس سازمان لاتاری در ایران به او دادند ولی به‌علت مخالفت علما لغو گردید. پس از لغو امتیاز، امین‌السلطان حکم عزل ملکم خان را از کلیه مناصب گرفت. در سال ۱۳۰۹، امین‌السلطان صدراعظم، معزول گردید و به‌جای وی امین‌الدوله دوست دیرینه ملکم به مقام صدارت اعظمی رسید. با مساعدت‌های وی، ملکم خان به وزیر مختاری ایران در روم منصوب شد. در موقعی که ملکم در ایران حضور داشت بیشتر ایام با امین‌الدوله بود مجمع سری تشکیل داد بنام فراموشخانه که از اعضای آن متشکل از طیف‌های گوناگون جامعه بودند و عبارتند از: ۱. علما: سید محمد طباطبایی، ۲. رجال دولت: امین‌الدوله و مشیرالدوله، ۳. اعیان: آقامیرزا نصرا... خان و برادرش میرزا فرخ... خان، ۴. شعرا و نویسندگان: اعتماد السلطنه و ذکاءالملک، ۵. اطباء: مهدی خان، میرزا داوود خان و میرزا عبدا... خراسانی (رائین، ۱۳۷۸: ۳۹۱، ۴۹۱ و ۵۴۷).

از مشکلات وزارت دوران امین‌الدوله اظهارات علمای تهران در عزل و نصب حاکمان بود که امین‌الدوله با این قضیه مخالف بود (امین‌الدوله، ۱۴۰۰: ۲۳۱).

الگار تصریح می‌کند در دوران امین‌الدوله علما نفوذ چندانی نداشتند:

امین‌الدوله همانند اصلاح طلبان پیشین یعنی امیر کبیر - میرزا حسین خان سپهسالار با دخالت علما و روحانیون در کار دولت مخالف بودند او گناه فرصت یافتن علما را برای مداخله به فساد و نادرستی اداری نسبت می‌داد و معتقد بود که اگر وضع اداری اصلاح شود علما دیگر در امور سیاسی به‌طور قانونی حقی نخواهد داشت (الگار، ۱۳۹۶: ۳۱۰).

در واقع یکی از نتایج ثانوی تشکیل حکومت مشروطه را امحاء نفوذ روحانیون می‌دانست و نتیجه می‌گرفت که روحانیون بزرگ‌ترین مانع اصلاح‌حند؛ از این رو سیاست او را در جدایی سیاست از مذهب خلاصه کرده‌اند (امین‌الدوله، ۱۴۰۰: ۲۷۲ و ۲۳۵-۲۳۶).

مهم‌ترین موفقیت امین‌الدوله در دوره صدارتش که مورد انتقاد روحانیان قرار گرفت، حمایت وی از مدارس جدید به شیوه اروپایی بود، همچنین انجمن معارف را در تهران تأسیس کرد و در تبریز به کمک میرزا حسن رشیدی اقداماتی را انجام داد. پس از صدر اعظم شدن، میرزا حسن خان رشیدی را از آذربایجان به تهران خواست و به دست او مدرسه‌ی نوینادی به نام مدرسه‌ی رشیدی گشود و سایرین را به گشودن مدارس جدید ترغیب کرد تا کودکان به مدرسه روند و نسل آینده باسواد و آگاه با آیند (کسروی، ۱۴۰۱: ۲۱).

در میان علما به‌خصوص میرزا حسن آشتیانی با این کار مخالفت کرد و تأسیس مدرسه به شیوه جدید را وسیله تضعیف مذهب قمداد کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

امین‌الدوله در سیاست خارجی نیز به علت عدم همکاری انگلیس و روس با شکست روبه‌رو گردید، عدم همکاری دول خارجی به دلیل عدم همسویی امین‌الدوله با آنها بود. همچنین به دلیل تأثیرات سوئی که از قبل امتیازات اعطایی به دول بود متأثر گردید منجمله امتیاز رویترو و سایر امتیازات، همچنین حوادث جاری و حاکم در جهان آن روز مزید بر علت گردید. انگلیس در مشکلات داخلی خود که در آن هنگام در آفریقا حاکم بود عملاً اقدامات مثبتی جهت کمک به امین‌الدوله معمول ننمود. احتشام الدوله معتقد است امین‌الدوله خوب می‌دانست که فعلاً نباید فکر پس گرفتن آنچه به خارجه داده شده است بود و بنابراین توازن روح سیاست خارجی او بود که به وسیله دوست قدیمی اش شیخ

محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه بدان عمل می‌کرد (خاطرات احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۰).

امین‌الدوله وارث حکومت فاسدی بود که امین السلطان برای او به ارث گذاشته بود. در سیاست خارجی با دموکراسی انگلستان موافقت بیشتری داشت تا با حکومت استبدادی، لذا روسیه تزاری از همان آغاز کار، با دشمنی با او برخورد می‌کرد. اقدامات در پیشبرد فرهنگ و معارف که مایه آگاهی مردم می‌شد مورد مخالفت شدید روس‌ها بود. روس‌ها در تاریخ جدید ایران دشمنان سخت آزاد اندیشی و دموکراسی در کشور بودند (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۷۳-۲۷۴).

۳- نتیجه‌گیری

در دوره‌ی قاجار، با اعزام اولین گروه برای تحصیل به خارج و آشنایی با پیشرفت غرب نقش‌های تازه‌ای در تاریخ ایران چهره می‌بندد. در این میان سه گروه وجود دارد گروهی از پیشرفت علم و دانش صنعت و نظام حکومت - قانون ارتش و ... آشنا شده‌اند. برای ایران و ایرانیان فقط توصیف می‌کنند. بدون آنکه راهکاری را پیشنهاد نمایند گروه دوم کسانی هستند که از مشاهدات خوب و آشنایی با تکنولوژی و پیشرفت غرب آرزوی این پیشرفت در ایران می‌نمایند. گروه سوم که خواهان اجرای این پیشرفت و ترقی و آرزومندی آن در ایران هستند چرا که آنان اجرای اصلاحات اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی ... و قانون - تفکیک قوا... در گروه اجرای این اهداف می‌دانند.

با ایجاد تغییر و تحول در زیر ساختهای سنتی و ایجاد ساختارهای نوین علمی با تلاشهای امیرکبیر و ایجاد بسترهای مناسب جهت رشد و ترقی و برداشت اولین گامهای آن شامل ایجاد دارالفنون استخدام مشاوران خارجی ... باعث گردید ضمن آشنایی با دستاوردهای علمی و علم و دانش گامهای موثری برداشته می‌شود با به صدارت رسیدن قائم مقام گامهای دیگری در جهت پیشبرد این اهداف برداشته شد. و با صدارت رسیدن سپهسالار اقدامات اصلاحی زیادی این دوره طی نمود وی موفق شد با ایجاد انگیزه و تشویق، ناصرالدین شاه را به سفرهای اروپایی ببرد. و از نزدیک ضمن آشنایی با قوانین حاکم بر آنها کشورها از نتایج پیشرفت علمی و ترقیات تکنولوژی - خواهان اجرای آنها در ایران گردد. هر چند این سفرها باعث تغییر و تحولات بنیادی در سیستم حکومتی سنتی ایران گردد. اما ناصرالدین خوب می‌دانست با هرگونه گام اصلاحی از قدرت حاکم او کم خواهد شد. لذا با اقدامات اصلاحی که در جهت حفظ و تقویت‌های حاکمین خویش گام بر می‌داشت و تلاش می‌کرد تا به نحو احسن بتولند استفاده نکنند، موافق بود. اقدامات شایان توجه امین‌الدوله از جمله تأثیر او درباره‌ی ماجرای رژی که در نهایت منجر به لغو معاهده‌ی تنباکو و آغاز جنبش شروطیت شد و نیز فعالیت‌های او در زمینه‌ی سیاست داخلی و خارجی اشاره کرد.

در این مدخل نو آغاز شده شخصیت‌های تلاش می‌کنند تا راه و پیشینه امیر(امیر کبیر) را مدنظر قرار دهند و یا لاقلاً دوره اش را مورد امتحان و جاپای وی بگذارند در این عصر که جامعه از آرمان‌های وی به نیکوی یاد می‌کند و مردم خوب دورانش را به یاد دارند. این دوره که دوران بیدار شدن ایرانیان است و در این میان عوامل چون امتیازات اعطایی به بیگانگان جرقه‌های جهت تسریع در ایجاد همبستگی، اتحاد و رهبری روحانیون و آشنایی مردم با حقوق حق خویش می‌شود. و باعث می‌شود گام‌های دیگر را محکم‌تر بردارند.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه شناسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: گستره.
- آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۲)، مشروطه ایرانی، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطیت، تهران: نشر سخن.
- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸)، امیر کبیر و ایران، تهران: امیر کبیر.
- افشار یزدی، محمود (۱۳۵۸)، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سید سیاء الدین ده شیری، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، وابسته با دانشگاه تهران.
- امین‌الدوله، میرزا علی خان (۱۳۵۴)، سفرنامه امین‌الدوله، مقدمه دکتر علی امینی، به کوشش کاظم اسلامیه، تهران: توس.
- امین‌الدوله، میرزا علی خان (۱۴۰۰)، خاطرات سیاسی، تهران: امیرکبیر.
- بیات، عزیزالله (۱۳۶۱)، تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان، تهران: امیرکبیر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۴)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر.
- حبل‌المتین (کلکته)، سال سیزدهم، ۸ رمضان ۱۳۲۳ ه. ق ۹/ دسامبر ۱۹۰۵ م، شماره ۱۱.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸)، سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- رائین، اسماعیل (۱۳۷۸)، فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران، تهران: رائین.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، مسئله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصریک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نی.

- ژوبر، ب، آ (۱۳۲۲)، مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: علمی و فرهنگی.
- شکوری، ابوالفضل و موسوی عبادی، سجاد (۱۳۷۷)، فرهنگ رجال معاصر ایران، تهران: عالمه.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۴۷)، سفرنامه، تصحیح اسماعیل راعی، تهران: روزن.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمدتدین، تهران: رسا.
- کرزن، لرد (۱۳۶۲)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۷۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: پیکان.
- کسروی، احمد (۱۴۰۱)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.
- کیا، ایرج (۱۳۷۶)، مروری بر تاریخ پست ایران، تهران: نگین.
- الگا، رحامد (۱۳۹۶)، دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰-۱۳۵۳)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۷)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی.
- ملک‌خان (۱۳۷۰)، روزنامه‌ی قانون، نمره ۲۶ و ۲۹، تهران: انتشارات کویر.
- وحدت، فرزین (۱۳۸۲)، رویارویی فکری ایران با مدرنیته، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶)، لندی‌شه و ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.